

نوسازی نظامی چین، اهداف، راهبردها

سعید وثوقی^۱ - سید حسام‌الدین موسوی^۲ - محسن بیگی^۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱

تاریخ تصویب: ۹۰/۱/۲۵

چکیده

در دهه‌ی ۱۹۹۰ به دنبال درک تکان‌دهنده‌ی اهمیت سلاح‌های پیشرفته در طول جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱)، روند انقلاب در امور نظامی (RMA)، نگرانی‌های استراتژیک فزاینده به خاطر به چالش کشیده شدن منافع امنیتی چین در تایوان توسط آمریکا، ظهور مجدد ژاپن به عنوان یک قدرت نظامی منطقه‌ای در کنار قدرت نظامی در حال رشد هند و نفوذ منطقه‌ای آنکه جنگ را نسبت به گذشته محتمل‌تر می‌ساخت، شاهد تمایل دوباره‌ی چین به تکنولوژی‌های دفاعی مدرن و مدرن‌سازی ارتش آزادی‌بخش خلق هستیم. بنابراین در تفکر امنیتی چین اولویت پیشرفت نظامی به سطحی معادل اولویت توسعه‌ی اقتصادی ارتقاء یافت. از این‌رو رهبران چین در طی دهه‌ی گذشته با طرح اهداف راهبردی و

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (sabansco@yahoo.com)

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (hesamaldin.msv@gmail.com)

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (beigi_moslem@yahoo.com)

سیاست دفاعی منطبق با شرایط نوین به پیشرفت‌های عظیمی در حوزه‌ی تکنولوژی دفاعی دست یافتند.

واژه‌های کلیدی: مدرن‌سازی نظامی، ارتش آزادی‌بخش خلق، چین، آمریکا، انقلاب در امور نظامی.

مقدمه

دهه‌ی پایانی قرن بیستم تحولات و حوادث بزرگی را در صحنه‌ی روابط بین‌الملل رقم زد و آثار گسترده و عمیقی را در زندگی اعضای جامعه‌ی بین‌المللی به وجود آورد. طومار نظام دو قطبی تولد یافته از جنگ دوم جهانی در مدت بسیار کوتاهی در هم پیچیده شد و کشورهای جهان خواسته یا ناخواسته شاهد زایش ساختار و سازمانی نوین در مناسبات خارجی و حتی داخلی خود گشته‌اند. در شرایط جدید روند ظهور قدرت‌های دیگر نظیر آلمان، ژاپن و چین تسریع شده است و منظومه‌های متداخل و قطب‌های جدید قدرت با کانون‌های متفاوت در حال شکل‌گیری است. در این بین بی‌گمان چین کمونیست یکی از مراکز اصلی قدرت و نقاط ثقل سیاست جهانی و یا دست‌کم در شرق آسیا و غرب پاسیفیک است. رشد و توسعه‌ی چین در دهه‌های اخیر بحث‌ها و واکنش‌های فراوانی را برانگیخته است. کشور چین با در پیش گرفتن سیاست‌های عقلایی در دو حوزه‌ی داخلی و خارجی در سه دهه‌ی گذشته توانسته است به موفقیت‌های عظیمی دست یابد. کسب این موفقیت‌ها در ترکیب با قابلیت‌های وسیع این کشور، آنرا به قدرتی بزرگ و تأثیرگذار و یکی از کاندیداهای ابرقدرتی در قرن بیست و یکم تبدیل ساخته است. یکی از حوزه‌هایی که دست‌کم یکی دو دهه‌ی اخیر بیشترین واکنش‌ها را در پی داشته، حوزه‌ی نظامی است. سیاست‌های اعلانی و اعمالی چین در این حوزه نشان از تلاش مستمر رهبران این کشور برای نوسازی و ارتقای سریع نیروی نظامی دارد. چنین تأکیدی بر پیشرفت نظامی، طبیعتاً شک و تردیدهایی را در مورد مقاصد نظامی و تصورات استراتژیک چین در میان

سیاستگذاران و تحلیلگران خارجی برانگیخته. از این رو با توجه به اهمیت و تأثیرات این روند بر معادلات بین‌المللی، مقاله حاضر در تلاش است تا به بررسی مهمترین عوامل مؤثر بر نوسازی نظامی چین بپردازد، که در این ارتباط بر چهار بازیگر خارجی (آمریکا، تایوان، ژاپن و هند) تأکید خواهد شد. و اینکه اهداف راهبردی و سیاست‌های دفاعی چین در این ارتباط کدامند، و در آخر هم به پاره‌ای از پیشرفت‌ها و ویژگی‌های کلیدی و اساسی نوسازی نظامی چین اشاره خواهد شد.

تهدیدات و انگیزه‌های PLA و تأکید بر لزوم نوسازی نظامی

ارتش آزادی‌بخش خلق چین^۱، اکنون در سومین دهه از برنامه‌ی مدرن‌سازی و انتقال که از سال ۱۹۷۹ بعد از آخرین درگیریش که با یک دشمن خارجی (جنگ با ویتنام) داشته، به سر می‌برد. این برنامه‌ی مدرن‌سازی که در برگیرنده‌ی هر چهار بخش از نیروهای مسلح چین «نیروی هوایی (PLAF)، نیروی دریایی (PLAN)، نیروهای موشکی استراتژیک و نیروهای زمینی» می‌باشد، با شدت بیشتر در حال ورود به قرن جدید است (Blasko, 2006:68).

بنیان استراتژیک فرایند نوسازی نظامی چین برای یک دوره‌ی طولانی، زمانی گذاشته شد که دنگ شیائوپینگ^۲ رهبر چین در سومین اجلاس یازدهمین کنگره‌ی عمومی حزب کمونیست چین ضمن مطرح ساختن سوسیالیسم ویژه چینی، که هدف آن بیشتر داخلی است تا صدور انقلاب موردنظر مائو^۳ بر لزوم نوسازی چهارگانه‌ی تأکید کرد که عبارتند از: نوسازی صنعت، کشاورزی، علوم و فنون و دفاع. در این برنامه‌ی نوسازی، پیشرفت علوم و فنون در بخش دفاع، مجهز ساختن ارتش چین به پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و تجهیزات، بهبود وضع زندگی نفرات ارتش، تقویت بنیه‌ی اقتصادی ارتش با توسعه‌ی

1. The People's Liberation Army (PLA).
2. Deng Xiaoping.
3. Mao

صنایع دو منظوره (نظامی و غیرنظامی) آن مورد توجه خاص قرار داشت (امیدوارنیا، ۱۳۸۱:۲۱).

به دنبال تأکید بر لزوم نوسازی چهارگانه، دنگ شیائوپینگ اعلام داشت که «چین باید احتمال درگیری و مواجهه با جنگ‌های محدود و ملی در مقابل نظر مائو، مبنی بر تهدید گسترده و جنگ هسته‌ای را داشته باشد». براساس این راهبرد، درگیری‌های محلی کوچک و متوسط بیش از یک جنگ بزرگ و جهانی، کشور چین را در این دنیای بزرگی که درکش و قوس رقابت دو ابرقدرت قرار داشته تهدید می‌کرد. اسناد ارتش چین این درگیری‌های محلی را بسیار ناگهانی، شدید و مخرب توصیف می‌کنند، بنابراین لازم بود که تا پکن توانمندی‌های عملیاتی جدیدی را با تأکید بر عملیات مشترک، واکنش سریع و حملات تهاجمی فراهم آورد تا مانع از بروز چنین جنگ‌هایی بشود و یا در صورت جنگ، بتواند پیروز میدان باشد (Taylor, 2008:126).

از این‌رو طی سه دهه‌ی گذشته، چین به طور مداوم در پی ایجاد یک ارتش تخصصی و مدرن بوده است. این برنامه‌ی مدرن‌سازی البته با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. به طور نمونه در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ چون امکان تهدید و جنگ گسترده علیه چین بنا به دلایلی از قبیل مشکلات اقتصادی شوروی و درگیری آن ابرقدرت در افغانستان، بهبود مناسبات چین با آمریکا، و همین‌طور شکست آمریکا در ویتنام و عقب‌نشینی آن ابرقدرت به خطوط دفاعی جدید در آسیا، وجود نداشت، بنابراین رهبران چین منابع هنگفتی از پول و منابع ملی را جهت سرعت بخشیدن به نوسازی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) هزینه نکردند و بیشتر بر لزوم نوسازی اقتصادی تأکید می‌شد تا نوسازی نظامی و از این‌رو بودجه‌ی دفاعی چین بیش از پنجاه درصد کاهش یافت و به نوعی به حاشیه رانده شد (امیدوارنیا، ۱۳۷۰:۷۷)؛ (Hitman, 1997:144).

اما از دهه‌ی ۱۹۹۰، توسعه‌ی مدرن‌سازی نظامی از حاشیه به متن اولویت‌های حزب کمونیست چین تبدیل گشت و همچنان هم روز به روز در حال وسعت گرفتن و گسترش می‌باشد؛ در ارتباط با علل و عواملی که باعث روی آوردن چینی‌ها به مسأله‌ی نوسازی نظامی شد، موارد زیادی را می‌توان نام برد، ولی آنچه که دست‌کم در یکی دو دهه‌ی اخیر بیشترین تأثیرات و نقش را در مسیر نوسازی نظامی چین داشته می‌توان در موارد زیر برشمرد.

سیاست خارجی و نظامی ایالات متحده (خصوصاً در ارتباط با تایوان)

استراتژیست‌های چینی در درجه‌ی نخست بر این باورند که ایالات متحده چالش‌های طولانی و فوری با منافع امنیت ملی چین دارند. اگرچه نگرانی‌های چینی‌ها در ارتباط با ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ تا اندازه‌ای فروکش کرد، ولی هنوز در ذهن رهبران چینی موارد چالش برانگیزی وجود دارد که آنها را در ارتباط با سیاست‌های ایالات متحده نسبت به منافع امنیت ملی چین نگران می‌کند (Crane et al, 2005:194).

از پایان دهه‌ی ۱۹۹۰، اصلاح، نوسازی و تهیه و تدارکات ارتش آزادی‌بخش خلق چین و آموزش و تعلیمات سنگین آن تقریباً به طور مشخصی بر روی مسأله‌ی جنگ با تایوان تمرکز داشته است. نگرانی‌ها درباره‌ی وقوع منازعه علیه تایوان بسیار شدید می‌باشد، به نحوی که وقوع این منازعه در رأس منازعات احتمالی پیش روی ارتش آزادی‌بخش (PLA) قرار دارد (Shalpak & et al, 2009:161).

بعضی از برنامه ریزان نظامی چین از این مسأله هراس دارند که ایالات متحده درصدد حفظ و نگهداری قسمتی از تایوان از جزیره‌ی اصلی جهت استفاده از آن به عنوان نقطه‌ای استراتژیک در آسیا به منظور محدود کردن رشد و نفوذ چین می‌باشند. آنها خصوصاً بر این اعتقادند که فروش تسلیحات آمریکایی و قراردادهای نظامی دوجانبه، قسمتی از تلاش‌های مصرانه‌ی آمریکا جهت نگه داشتن دائمی چین در یک وضعیت تقسیم

شد. و همین‌طور به منظور به تحلیل بودن اهداف چین نسبت به اتحاد و حاکمیت ملی‌شان می‌باشد (Mulvenon, 1997:186).

اکثر تحلیل‌گران غربی و همین‌طور چینی بر این فرض هستند که ایالات متحده می‌تواند در تایوان مداخله کند، مگر اینکه تایوان اعلام کند که استقلالش بدون تهیج و تحریک جزیره‌ی اصلی است. در نتیجه، نوسازی نظامی ارتش چین نه تنها تمرکزش بر روی نبرد علیه تایوان، بلکه نبرد علیه نیروهای ایالات متحده، در صورتیکه منازعه آغاز شود، می‌باشد. به طور نمونه، در سال‌های اخیر، ارتش آزادی‌بخش خلق چین (PLA) در حال توسعه‌ی توانمندی‌های غیرمتمقارن خود جهت بازدارندگی یا کاهش برتری قابلیت‌های نظامی آمریکا در صورت بروز منازعه است (Gliff & et al, 2007:202).

ورای پیشامد احتمالی جنگ علیه تایوان، به طور کلی برنامه‌ریزان و استراتژیست‌های نظامی چین، نسبت به خطر حضور نظامی آمریکا ناخوشایند و نگران می‌باشند، یقیناً آنها نگران این مسأله می‌باشند که ایالات متحده بخواهد، هر موقع و هر کجا از نیروهایش استفاده کند، از نظر این برنامه‌ریزان و استراتژیست‌ها این سناریو می‌تواند به نحوی منافع امنیت ملی چین را در منطقه و جهان به خطر اندازد (Shirk, 2007:10).

براساس گزارش وزارت دفاع ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ که هر چهار سال یک بار منتشر می‌شود، رهبران چین معتقدند که ایالات متحده به دنبال به دست آوردن و کسب برتری ژئواستراتژیکی از طریق بازداشتن قدرت در حال رشد چین و نهایتاً تقسیم و غربی‌سازی آن و همین‌طور جلوگیری از ظهور مجدد قدرت روسیه می‌باشد (U.S DOD¹, 2003:8).

نگرانی‌های چینی‌ها درباره‌ی حالت اقدامات یک‌جانبه‌گرایانه‌ی آمریکا و همین‌طور سیاست‌های نظامی آن بیشتر در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ حاد بود. خصوصاً به دنبال بمباران تصادفی سفارت خانه چین در بلغراد، اما از میانه‌های سال ۲۰۰۱ قصد و نیت

1. U.S Department of Defense.

چینی‌ها نسبت به ایالات متحده در جریان همکاری‌های دوجانبه نسبت به پدیده‌ی تروریسم، رو به میانه‌روی نهاد (Swaine, 2007:130).

نگرانی‌های ارتش آزادی‌بخش خلق چین (PLA) درباره‌ی سیاست‌های ایالات متحده، اغلب در چهارچوب روابط آمریکا-ژاپن و در اندازه‌ی کمتری در ارتباط با وابستگی‌های دفاعی آمریکا با ملت‌های آسیای شرقی می‌باشد. در این ارتباط باید گفت که این مسأله یعنی اتحاد، کمک‌های نظامی و همکاری‌های دفاع موشکی ایالات متحده و به طور کلی روابط دفاعی که ایالات متحده در منطقه‌ی آسیای جنوب شرقی دارد، بیشترین نگرانی‌ها را برای ارتش آزادی‌بخش خلق ایجاد کرده است، از این‌رو استراتژیست‌های چینی وابستگی‌های نظامی ایالات متحده با ملت‌های آسیایی را قسمتی از استراتژی آمریکا برای کسب هژمونی و کنترل جایگاه استراتژیک در آسیا به منظور محدود کردن رشد قدرت نظامی چین و همین‌طور تأثیرات اقتصادی تفسیر می‌کنند. خصوصاً اینکه آنها معتقدند که تلاش‌های ایالات متحده برای تقویت روابط اتحادی با ژاپن و دیگر ملت‌های جنوب شرقی به عنوان جلوه‌ای از استراتژی‌های مرزی آمریکا برای بازداشتن قدرت و نفوذ چین در این منطقه‌ی حساس می‌باشد (Crane & et al , 2005:196).

ظهور مجدد ژاپن به عنوان یک قدرت نظامی منطقه‌ای:

نگرانی امنیتی بعدی برنامه‌ریزان و استراتژیست‌های نظامی چین، ژاپن می‌باشد. اگرچه رهبران سیاسی چین بر ارزش استمرار روابط چین-ژاپن برای همکاری‌های امنیتی‌شان در ارتباط با رشد داخلی کشورشان تأکید دارند، ولی از سوی دیگر استراتژیست‌های نظامی چین در مورد امکان ظهور مجدد میلیتاریسم ژاپنی و اتحادشان با ایالات متحده نگران می‌باشند. اشغال خشونت‌آمیز چین، توسط ژاپنی‌ها در نیمه‌ی اول قرن بیستم، استراتژیست‌های نظامی و رهبران سیاسی چین را واقعاً در مورد ظهور مجدد ژاپن به عنوان یک قدرت نظامی عمیقاً نگران ساخته است. آنها به تغییراتی که در راهبردهای نظامی ژاپن،

ساختار نیروها و پیشرفت‌هایی که در سال‌های اخیر به دست آورده‌اند، به عنوان مدرکی دال بر تلاش ژاپنی‌ها برای بهبود توانمندی‌های نظامی بر این فرض که نقش مؤثرتری در آسیا داشته باشند نگاه می‌کنند (Shambaugh, 2003:301).

براساس یک نظرسنجی معتبر در ارتش آزادی‌بخش خلق چین (PIA) حس رویارویی با ژاپن و احساسات ضدژاپنی در میان ارتش آزادی‌بخش خلق در تمام سطوح قابل لمس است (China National Defense, 2002:93)؛ روابط نظامی ژاپن و آمریکا در این چهارچوب تفسیر می‌شود که ممکن است ایالات متحده به مسلح شدن مجدد ژاپن از طریق تجارت دو طرفه در تکنولوژی‌های دفاعی و جنگ‌افزاری، خصوصاً از طریق همکاری‌های دفاع موشکی کمک بکند، از این رو ترس اساسی پکن این است که اتحاد نظامی آمریکا و ژاپن بخش مرکزی استراتژی نظامی برای محدود کردن نفوذ چین در آسیا به منظور جلوگیری از تهدیدات احتمالی چین می‌باشد (Shambaugh, 2003:305).

انقلاب در امور نظامی^۱

انقلاب در امور نظامی که در واقع شیوع انقلاب اطلاعاتی در حوزه‌ی نظامی است، از دهه‌ی ۱۹۹۰ ابعاد وسیعی به خود گرفت. این تحول همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، حوزه‌ی نظامی را وارد دوران جدیدی ساخت. وجه مشخصه‌ی این دوران، گسترش تساعدی شکاف میان کشورهای برخوردار از فناوری اطلاعات محور در حوزه‌ی نظامی، با سایرین است (قلی‌زاده، ۱۳۸۹:۶۵).

در دهه‌ی ۱۹۹۰ به دنبال درک تکان‌دهنده‌ی اهمیت سلاح‌های پیشرفته در طول جنگ خلیج فارس (۱۹۹۰-۱۹۹۱) نگرانی‌های استراتژیک فزاینده به خاطر به چالش کشیده شدن منافع امنیتی چین در تایوان توسط آمریکا و ژاپن و حرکت تایوان به سوی استقلال

1 . A Revolution in Military Affairs (RMA).

که وقوع جنگ را نسبت به گذشته محتمل تر می‌ساخت، شاهد تمایل دوباره‌ی چین به تکنولوژی‌های دفاعی هستیم، اهمیت این مسأله برای رهبران و برنامه‌ریزان نظامی چین بعد از جنگ‌های جدید خصوصاً جنگ افغانستان و عراق بیشتر نمایان شد. بنابراین در تفکر امنیتی چین اولویت پیشرفت نظامی به سطحی معادل اولویت توسعه‌ی اقتصادی ارتقاء یافت (Xiangli, 2008:1).

به نظر محققان چینی، انقلاب در امور نظامی انتقال جهانیان از عصر صنعتی به عصر اطلاعاتی و بازتاب رقابت در زمینه‌ی نظامی در مجموعه‌ی کلی توان ملی است. چینی به انقلاب در امور نظامی با نگرش به عواقب جنگ‌های جدید مخصوصاً در افغانستان و عراق توجه زیادی دارند و آنرا در سرنوشت جهانیان دارای آثار سرنوشت‌ساز می‌دانند. به نظر آنان در عصر جدید ویژگی‌های انقلاب در امور نظامی عبارتند از: جنگ‌افزارها و تجهیزات دقیق‌تر و فرماندهی و کنترل با نیازهای زمان انطباق بیشتر و دقیق‌تر خواهد یافت، ساختار نیروها دقت و ظرافت بیشتری پیدا می‌کند، و در آخر اینکه شکل جنگ‌ها یکپارچگی بیشتری می‌یابد (امیدوارنیا، ۴: ۱۳۸۲-۶۳).

با این حال چین هرگز به صورت صریح عنوان نکرده است که منظور از انقلاب در امور نظامی چیست. پس به طور منطقی می‌توان انتظار داشت که چین برای مقابله با چالش‌هایی که به خاطر انقلاب در امور نظامی در به وجود آمده‌اند و به منظور بالا بردن توانایی‌اش برای مبارزه و پیروز شدن در جنگ‌های نوین و پیشرفته به تقویت نیروهای نظامی‌اش ادامه دهد.

قدرت نظامی در حال رشد هند و نفوذ منطقه‌ای آن

هند در واقع جدیدترین نگرانی امنیتی برای استراتژیست‌های نظامی چین به شمار می‌رود؛ چین و هند در سال ۱۹۶۲ یک‌بار بر سر مسایل مرزی با یکدیگر زدوخوردهایی داشته‌اند، از آن زمان تاکنون ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) نیروهایش را در امتداد مرز چین و هند

به منظور ممانعت به عمل آوردن از پیش‌دستی هند جهت باز پس گرفتن سرزمین‌هایی که از دست داده توسعه بخشیده است (Guihong, 2006:98).

آزمایش اتمی هند در سال ۱۹۹۸ زنگ خطر و همچنین هشدار به ارتش آزادی‌بخش (PLA) چین بود، و از این‌رو از سال ۱۹۹۸ کتاب‌ها و نوشته‌های زیادی در چین، نگرانی‌هایی را در ارتباط با قابلیت‌ها و توانایی‌های موشکی و اتمی هند انعکاس می‌دهند. حال سؤالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که آیا دهلی نو به دنبال استفاده کردن از قابلیت‌ها و توانمندی‌های هسته‌ای خود، جهت بازدارندگی و همچنین وادار کردن چین به شرایط مورد قبول خویش است؟

در این ارتباط با این سؤال، گروه بسیاری از برنامه‌ریزان ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) بر این دیدگاه می‌باشند که تلاش هند برای افزایش قابلیت‌های اتمی‌اش در کنار روابط نظامی که با ایالات متحده دارد، به طور روافزونی مستقیماً به منظور ایجاد بازدارندگی و بازداشتن چین از نفوذ بیشتر در منطقه می‌باشد (Yuan, 2001:263).

از دیگر سو چینی‌ها بر این نظرند که هند امروزه در کانون توجه مقامات آمریکایی قرار گرفته و از آن به عنوان شریک استراتژیک آمریکا در منطقه و عامل مهار چین یاد می‌شود که در حیطه‌ی دفاعی در حال تقویت توان خود هستند تا مانع از تکرار شکست نظامی سال ۱۹۶۲ خود در برابر ارتش چین شوند.

در مقابل مناقشات و اختلافات مرزی حل نشده، برنامه نظامی و هسته‌ای چینی‌ها برای کمک به تقویت ارتش پاکستان با هدف کشاندن هندی‌ها به دو عرصه و میدان مختلف دفاعی و نهایتاً فعالیت‌های گسترده نهادهای امنیتی چین در شمال هند برای ایجاد ناآرامی بین گروه‌های قومی یاغی شمال شرق هند از جمله مواردی است که هندی‌ها از آنها به عنوان عوامل تهدید چین علیه هند یاد می‌کنند (Ramesh, 2005:12).

از این رو با توجه به اختلافات ذکر شده در بالا بین چین و هند، برنامه ریزان و استراتژیست‌های نظامی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) بهترین گزینه در برابر سیاست‌های مقامات دهلی نو در ارتباط با چین را، بالا بردن توان دفاعی و تعلیماتی چین ارزیابی کرده‌اند.

دفاع ساحلی و مرزی

دفاع از مرزهای چین و حفاظت از سواحل و ادعاهای ارضی در دریای چین جنوبی، نیز از نگرانی‌های عمده‌ی استراتژیست‌های PLA به شمار می‌رود. چین با چهارده کشور دارای مرز زمینی و با هفت کشور دارای مرز دریایی است. مدت‌زمان طولانی است که مرزهای چین، منبع قابل توجهی از نگرانی را برای رهبران نظامی آن فراهم آورده است. چین زدوخوردهای مرزی قابل توجهی با هند، روسیه و ویتنام داشته؛ به نسبت کم‌شدت‌تری در ارتباط با اختلافات مرزی دست‌کم با ده کشور دیگر نیز این چنین بوده؛^۱ از این رو از سال ۱۹۹۰، چین فعالانه درگیر اختلافات مرزی متعددی بوده که به طور تاریخی باعث تنش‌های قابل توجهی در منطقه شده‌اند (Ravinder, 1998:96)؛ با این حال چین از سال ۱۹۹۱ در حال حل و فصل کردن اختلافات مرزی‌اش با لائوس، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ویتنام و تاجیکستان بوده است.

حفاظت از آب‌های سرزمینی و قلمرو فضایی چین، نخستین و بلندمدت‌ترین مأموریتی است که برای ارتش چین در نظر گرفته شده است. این تعهد به طور دائم از سال ۱۹۴۹ هنگام تأسیس حزب کمونیست چین و زمانی که نیروهای ملی‌گرا شروع به تهاجم به سرزمین اصلی چین (MSain land) از تایوان کردند، وجود داشته. این تعهد و مأموریت

۱. این کشورها عبارتند از: نپال، برمه(میانمار)، تایلند، ماندی، اندونزی، فیلیپین، برونشی، لائوس، قزاقستان و قرقیزستان.

با شدت بیشتری بعد از حادثه‌ی EP-3^۱ در سال ۲۰۰۱ بین ایالات متحده و چین، دنبال و باعث تمرکز بیشتر ارتش آزادی‌بخش (PIA) در دفاع از آب‌های سرزمینی و قلمرو فضایی چین شد (Moulvenon and Yang, 2002:265).

تأکید زیاد هند مبنی بر بهبود قابلیت‌های دفاع هوایی از مرزهایش، نیز بازتابی از نگرانی‌های آنها در حال افزایش آنها در ارتباط با دفاع از مرزهای زمینی، دریایی و هوایی خود می‌باشد که می‌تواند در این چهارچوب تفسیر شود. یکی دیگر از مأموریت‌های PIA حفاظت از حق حاکمیت چین در دفاع از ادعاهای ارضی خود در دریای چین جنوبی است. از ابتدای سال ۱۹۸۸ چین به طور منظم شروع به تثبیت ادعاهای خود در مناطقی از دریای چین جنوبی کرده است. چین در حال حاضر جزایر و صخره‌های دریایی زیادی را در دریای چین جنوبی در اشغال خود دارد، از این‌رو ادبیات ارتش آزادی‌بخش خلق در دفاع از حق حاکمیت چین، اغلب به ادعاهای سرزمینی چین در دریای چین جنوبی، به عنوان یک منطقه‌ای که در قبال آن پاسخگو است، اشاره دارد (Crane & et al, 2005:197).

عوامل فوق‌الذکر در ارتباط با عوامل کم‌اهمیت‌تر، مدرن‌سازی نظامی را به اولویتی اساسی برای رهبران حزب کمونیست مبدل ساخته‌اند. در این چهارچوب، ارتش آزادی‌بخش خلق تغییرات وسیعی به خود دیده است و به ارتشی مدرن و تخصصی مبدل شده است. افزون بر این، چینی‌ها تلاش کرده‌اند تا با روزآمد ساختن تجهیزات و تسلیحات، فاصله ارتش خود را با ارتش قدرت‌های بزرگ کاهش دهند.

۱. برخورد هواپیمای شناسایی آمریکا با یک فروند جت چینی در مقابل سواحل جنوبی که منجر به فرود اضطراری هواپیمای آمریکایی در جزایر هانیان شد.

اهداف راهبردی و سیاست دفاعی چین در ارتباط با مدرن‌سازی نظامی

• اهداف راهبردی

اگرچه رهبران چین هنوز در مورد جزئیات اهداف و مواضع خود درباره‌ی مدرنیزه کردن توانمندی‌های نظامی چیزی اعلام نکرده‌اند، اما با بررسی منابع در دسترس در رابطه با دکترین نظامی خلق چین، طی یک دهه‌ی گذشته که شامل متونی درباره‌ی راهبردها و عملیات‌ها، که برای تربیت افسران ارتش آزادی‌بخش خلق چین به کار رفته، متوجه می‌شویم که اهداف چین برای استفاده از قدرت نظامی قاطعانه‌تر از بسیاری دیگر از کشورها است.

در این ارتباط فراول. م. تیلور^۱ به پنج مورد اشاره می‌کند.

«اول، **منیت کشور**: اولین هدف چین، یعنی حفظ انحصار حزب کمونیست (CCP)

بر قدرت سیاسی، نیروهای مسلح این کشور را از بیشتر ارتش‌های مدرن دیگر در جهان متمایز می‌سازد.

دوم، تمامیت ارزی: در امان نگه داشتن مرزهای چین از تهدیدات خارجی

مأموریتی اساسی است که برای نیروهای مسلح چین در نظر گرفته شده است؛ اگرچه مرزهای چین بهتر از هر زمان دیگری از سال ۱۹۴۹ به این سو است، اما منابع ارتش خلق چین هنوز روی اهمیت آمادگی برای هرگونه درگیری بالقوه در محدوده‌ی قاره‌ای، که ممکن است تمامیت ارزی کشور را مورد تهدید قرار دهد، تأکید می‌کنند. این نگرانی‌ها ریشه در چالش‌های عملیات دفاعی در یکی از طولانی‌ترین مرزهای دنیا دارد، وظیفه‌ای که با شرایط دشوار محیطی و خشونت‌های نژادی بالقوه در مناطق مرزی پیچیده‌تر نیز شده است.

1 . Fravel M. Taylor.

سوم، یکپارچگی ملی: جالب‌ترین و نگران‌کننده‌ترین هدفی که چین دنبال کرده است. در این ارتباط می‌توان به اقدامات پکن جهت سرکوب فعالیت‌های جدایی‌طلبان تایوانی اشاره کرد.

چهارم، امنیت دریایی: هدفی که توجه فزاینده‌ای را به خود جلب کرده است. **پنجم، ثبات منطقه‌ای:** در عرصه‌ی عمل، این هدف با اجتناب یا ممانعت از درگیری‌های نظامی در محیط پیرامونی چین مرتبط است تا مبادا این درگیری‌ها اصلاحات اقتصادی چین را از مسیر اصلی‌اش خارج کند» (Taylor, 2008:126-128). آنچه از این اهداف برمی‌آید، نشان‌دهنده‌ی این مطلب است که آنچه در نزد دولتمردان چین از اولویت برخوردار است، بیش از همه، ایجاد تضمینی برای حفظ ثبات و آرامش حداقل در محیط امنیتی خود در آسیاست تا از این رهگذر بتواند به اهداف خود در زمینه‌ی تداوم رشد اقتصادی تحقق بخشد.

سیاست دفاعی

برای مدت زمانی طولانی حزب کمونیست چین «CCP»^۱ مکرراً اعلام داشته که به دنبال سیاست دفاع ملی می‌باشد که صرفاً دفاعی باشد و همچنین تأکید داشته‌اند که سیاست دفاع ملی چین باید تضمین‌کننده اتحاد و امنیت چین جهت ساخت جامعه‌ای نسبتاً مرفه برای شهروندانش باشد. از نقطه نظر تاریخی چین یک استراتژی دفاع ملی را از زمان مائو دنبال کرده است. برای بیش از نیم قرن اجزای سیاست دفاع ملی چین در حال تغییر بوده است، اما شعارها هنوز باقی مانده‌اند و تغییری نکردند، بنابراین برای جامعه‌ی بین‌المللی درک سیاست دفاع ملی چین به صورت آنچه که در واقع است، بسیار مشکل خواهد بود. در هر حال دو روش برای بررسی دقیق سیاست دفاع ملی چین وجود دارد:

1. China Communist Party.

روش اول: تجزیه و تحلیل آنچه که جمهوری خلق چین در واقع انجام می‌دهد و روش دوم: بررسی گزارش‌ها و اظهارات رسمی رهبران سیاسی و استراتژیست‌های نظامی چین می‌باشد؛ در همین حال هر دو اینها از منظر فرهنگ استراتژیک چین بهتر سنجیده می‌شود. به طور نمونه، براساس کتاب سفید دفاعی چین در سال ۲۰۰۶، سیاست دفاعی صرفاً دفاعی است و تضمین‌کننده اتحاد و اهمیت چین می‌باشد، در این سند همچنین مسیر نوسازی نظامی را در سه مرحله مشخص شده است:

مرحله اول، ایجاد پایه‌های محکم تا سال ۲۰۱۰؛ مرحله دوم، ایجاد پیشرفت‌های عمده تا حدود سال ۲۰۲۰ و مرحله سوم، رسیدن به هدف استراتژیک ساخت نیروهای مسلح مبتنی بر اطلاعات که قادر به پیروزی در جنگ‌های با شرایط نوین (اطلاعاتی شده) را داشته باشد (China National Defense in 2006).

از این‌رو با توجه اسناد و گزارش‌های رسمی جمهوری خلق چین می‌توان مهم‌ترین اجزای سیاست‌های دفاعی چین را در ارتباط با مدرن‌سازی نظامی در موارد زیر برشمرد.

تقویت انسجام و امنیت ملی و تضمین توسعه‌ی منافع ملی

برای حزب کمونیست چین (CCP) سیاست دفاعی فوق شامل پاسداری و مقاومت در برابر تهاجم خارجی، اقدامات احتیاطی در برابر تروریسم و افراط‌گرایی در همه‌ی اشکال آن و مصاف با آن چیزی است که از آن تحت عنوان نیروهای جدایی‌طلب برای استقلال تایوان یاد می‌شود (China national defense in 2006:4).

در این ارتباط جوزف نای و ریچارد آرمیتاژ^۱ خاطرنشان می‌کنند که «با تمرکز بر این اهداف (موارد فوق‌الذکر) تلاش‌های چین برای مدرن‌سازی نظامی بر تمرکز جهت آماده شدن برای یک منازعه‌ی احتمالی با تایوان متمرکز شده است» (Armitage and Nye, 2007:3)؛ بنابراین ارتش آزادی‌بخش خلق چین (PLA) در حال تلاش برای بهبود

1. Richard L. Armitage and Joseph S. Nye.

قابلیت‌ها و توانایی‌هایش جهت خنثی‌سازی تهدیدات امنیتی و اطمینان حاصل کردن از این مسأله می‌باشد که توانایی پاسخ دادن به بحران‌ها، و همین‌طور حفظ بازدارندگی و کسب پیروزی در جنگ‌های احتمالی تحت شرایط سخت و پیچیده را دارا می‌باشد.

پیگیری سیاست توسعه‌ی پایدار و هماهنگ نیروهای مسلح و دفاع ملی

استمرار نوسازی نیروهای مسلح و دفاع ملی، به عنوان جزء لاینکفی از توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی چین، در برگیرنده‌ی تعدیل و اصلاح ساختار و سازمان‌های نظامی می‌باشد (China National Defense in 2006:5).

رشد اقتصادی شگفت‌انگیز چین این اجازه را به آنها می‌دهد که در بخش نظامی سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای بکنند، از این‌رو مزایای رشد اقتصادی این امکان را به چین جهت تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ نظامی که به طور پیوسته تجهیزات پیشرفته‌تر در دسترس دارد، می‌دهد. در نتیجه این دو (رشد اقتصادی و توسعه‌ی نظامی) دو عنصر اولیه، حیاتی و مستقل در توسعه‌ی ملی می‌باشد، در واقع این دو عنصر، فرم مدل "توسعه مارپیچ"^۱ برای چین در حال ظهور است (Armitage and Nye, 2007:3).

افزایش عملکرد و کارایی نیروهای مسلح از طریق اطلاعاتی شدن به عنوان معیار اندازه‌گیری عمده جمهوری خلق چین به طور پایه‌ای در حال مکانیزه کردن یک نیروی محرکه جهت ارتقای توانایی‌های خود برای دستیابی اهداف راهبردی خود می‌باشد. چین در حال توسعه‌ی توانایی مصاف در جنگ‌های با سطح بالا در حوزه‌ی پیرامونی خود و همین‌طور در حال برداشتن گام‌هایی برای ساخت سیستم فرماندهی عملیات پیوسته، نظام آموزش و سیستم پشتیبانی منطبق با جنگ‌های اطلاعاتی شده در شرایط نوین، و افزایش همگرایی در بخش خدمات و ارتش است (Lbid:6).

1. spiral development

از این رو ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) به دنبال بالا بودن قابلیت‌ها و نوآوری‌های مستقل در سامانه‌های تسلیحاتی و تجهیزات خویش است و به خوبی صنعت دفاعی را به علم و تکنولوژی مرتبط ساخته است. در این ارتباط سخنان هوجین تائو رئیس جمهور فعلی چین در هفدهمین کنگره‌ی حزب کمونیست چین که چشم‌اندازهای نوین برای مدرن‌سازی نیروهای مسلح و دفاع ملی نام گرفت به خوبی نمایانگر پیگیری و اهمیت زیاد این سیاست می‌باشد. وی در این باره گفت «ما باید استراتژی نظامی برای دوره‌ی نوین را به اجرا درآوریم؛ انقلاب در امور نظامی با ویژگی‌های چینی را سرعت بخشیم، قابلیت‌ها نظامی خویش را برای واکنش سریع به تهدیدات امنیتی متنوع و چالش‌های نوین بالا ببریم از امنیت و تمامیت ارضی چین پاسداری کنیم؛ ما باید از طریق علوم و تکنولوژی نیروهای مسلح قوی ایجاد کنیم، برای کسب هدف استراتژیک ساخت نیروهای مسلح کامپیوتری شده و پیروزی آنها در جنگ‌های مبتنی بر IT، ما باید توسعه‌ی مرکب مکانیزه شده و کامپیوتری شده را بالا برده، مدیریت علمی قوی و قوانین وابسته را بهبود بخشیم» (2007 Hu jintao). با این حال افزایش کارایی نیروهای مسلح از طریق اطلاعاتی کردن به عنوان معیار عمده اندازه‌گیری می‌تواند به وسیله‌ی پیروی از مدل توسعه‌ی غیرخطی برای نائل شدن به هدف راهبردی توسعه‌ی نامتقارن^۱ تفسیر شود.

اجرای استراتژی نظامی دفاع فعال

ارتش آزادی‌بخش خلق چین (PLA) تضمین می‌کند که به خوبی آمادگی نبرد در جنگ‌های محلی با شرایط نوین (اطلاعاتی شده) و کسب پیروزی در این جنگ‌ها را دارد و می‌تواند از منافع ملی، حاکمیت و همین‌طور از منافع توسعه‌ی اقتصادی دفاع بکنند (China National Defense in 2006:6).

1 . Asymmetric Development.

از نقطه نظر تاریخی، کمبود توانایی و قابلیت عملیات مشترک (پیوسته) از ضعف‌های PLA به حساب می‌آید. ادغام سامانه‌های تسلیحاتی سنگ‌بنای عملیات‌های مشترک و پیوسته است. چین ضعف‌های خودش را تشخیص داده است و بر این اساس، به دنبال کمک گرفتن از جامعه‌ی بین‌المللی به منظور عبور از محدودیت‌های تکنولوژی نظامی خود است. از این رو چین در حال درخواست کمک از اروپا برای لغو تحریم‌های تسلیحاتی علیه خود است و این در حالی است که ایالات متحده مخالف برداشتن تحریم‌های تسلیحاتی از سوی اروپا نسبت به چین در شرایط حاضر است؛ زیرا لغو تحریم‌ها در شرایط فعلی می‌تواند به چین این اجازه را بدهد که به تکنولوژی نظامی با کاربرد دوگانه برای بهبود سامانه‌های تسلیحاتی فعلی خود و همین‌طور توانایی‌های بومی در حال توسعه جهت ایجاد سامانه‌های بیشتر دسترسی پیدا کند (U.S DOD, 2006:18).

اگرچه سازندگان و صاحبان صنایع غربی، همچنان به تحریم‌های چین ادامه می‌دهند، اما سازندگان روس (صاحبان صنایع روس) آماده‌اند تا ملاقات‌های بیشتری با چینی‌ها مبنی بر تهیه لزومات آنها داشته باشند. فروش‌ها از سوی روسیه به چین شامل، هواپیماهای جنگنده، موشک‌های زمین به هوا، هوا به هوا و هوا به زمین می‌باشد (Sutter, 2003:80). وقتی که اهداف استراتژی نظامی چین به اجرا درآید، محتوای استراتژی آن هم تغییر پیدا می‌کند.

ترویج و پرورش محیط امنیتی سودمند برای توسعه‌ی صلح‌آمیز

چین ادعا می‌کند که روابط نظامی گسترده‌ای با دیگر کشورها مبتنی بر پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز برقرار کرده که هیچ‌یک از آنها بر علیه کشور سومی نیست. و همین‌طور ادعا می‌کند که به اصول و اهداف سازمان ملل احترام گذاشته، به تعهدات بین‌المللی پایبند و در عملیات حفظ صلح سازمان ملل مشارکت جسته، در عملیات‌های ضدتروریستی و

همین‌طور عملیات‌های امداد نجات بلایای طبیعی نیز همکاری گسترده خواهد داشت (National defense in 2006:7 China).

در همین ارتباط حزب کمونیست چین (CCP) تبلیغات بین‌المللی خود را از ظهور صلح‌آمیز^۱ به توسعه‌ی صلح‌آمیز^۲ تغییر داده است که این خود به خاطر کاستن از نگرانی‌های کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ در ارتباط با خیزش چین می‌باشد. در چهارچوب توسعه‌ی صلح‌آمیز، چین خدمت رشد سریع اقتصادی جهت مشارکت فعال در منطقه و همین‌طور سازمان‌های بین‌المللی از قبیل UN، WTO، APEC، SOC و... را دارد. این در حالی است که پرورش فرصت‌های استراتژیک برای توسعه‌ی صلح‌آمیز و تلاش برای منحرف کردن توجه جهانی از مدرن‌سازی نظامی، تهدیدات بالقوه‌ای را برای امنیت منطقه‌ای بر جا می‌گذارد (U.S DOD, 2006:2).

آنگونه که از موارد فوق‌الذکر مشاهده می‌شود، متوجه می‌شویم اهداف راهبردی و همین‌طور سیاست‌های دفاعی چین در ارتباط با مدرن‌سازی نظامی کاملاً درهم تنیده شده و به نوعی به هم وابسته می‌باشند به صورتی که درک هیچ‌یک بدون دیگری امکان‌پذیر نمی‌باشد.

برخی ویژگی‌های پیشرفت‌های نظامی اخیر چین

بر طبق نظر آکادمی علوم اجتماعی چین، چین از نظر "قدرت فراگیر ملی"^۳ در بین ده کشور مقام ششم را دارد. یعنی جایگاه آن در سال ۲۰۰۶ پایین‌تر از آمریکا، بریتانیا، روسیه، فرانسه و آلمان ولی بالاتر از ژاپن، کانادا و کره‌ی جنوبی بوده است (Chin lee, 2008:524).

با توجه به شاخص GNP توانایی نظامی چین (۵۴/۴۹) خیلی از آمریکا (۹۱/۸۵) و روسیه (۸۴/۷۹) پایین‌تر و درست قبل از فرانسه (۵۶/۲۹) است. این در حالی است که

1. Peaceful.

2. Peaceful Development.

3. Comprehensive National Power.

کشورهای شرق آسیا مانند ژاپن (۵۲/۳۴) و کره‌ی جنوبی (۵۰/۷۳) خیلی در سطح پایین‌تری نسبت به چین قرار نگرفته‌اند (Wezeman and Bromley, 2005:417).

مطمئناً چین برای بهبود توانایی‌های نظامی‌اش فرصت‌های زیادی دارد. با توجه به این واقعیت می‌توان نرخ دو رقمی افزایش سالانه‌ی مخارج دفاعی رسمی این کشور از سال ۱۹۹۰ تا (سقف) متوسط سالانه‌ی ۱۵/۳۶ درصد تا سال ۲۰۰۵ (البته بدون در نظر گرفتن تورم) توضیح داد. البته نرخ رشد بودجه دفاعی چین باید کفاف تعداد بسیار زیاد سربازان (۲/۳ میلیون سرباز خدمت تمام وقت به علاوه‌ی تقریباً چهار میلیون شبه نظامی) و سهم مناسب بودجه‌ی دفاعی آن از تولید ناخالص داخلی و بودجه‌ی کل کشور را بدهد که این سهم در طول دوره‌ای از سال ۱۹۸۹ تا ۲۰۰۵ به ترتیب معادل ۱/۶ و ۸/۵ درصد بوده است (IISS^۱, 2006:264). البته اگر این ارقام را در شرایط واقعی و با محاسبه‌ی متغیرهای تورم و نوسانات تبادل ارز در نظر بگیریم، آن‌گاه سهم مخارج نظامی از تولید ناخالص داخلی چین حتی کمتر از مقادیر پیش گفته خواهد بود (Skans et al, 2005:307)؛ به علاوه هنگامی که بودجه‌ی دفاعی ۳۵ میلیارد دلاری چین در سال ۲۰۰۶ را با مخارج نظامی آمریکا (۴۴/۱۶ میلیارد دلار آمریکا) و ژاپن (۴۱/۳۵ میلیارد دلار آمریکا) در همان سال مقایسه می‌کنیم، می‌بینیم که به مقدار نجومی و خیره‌کننده‌ای پایین است.

برخلاف توجیهات چین در مورد افزایش بودجه‌ی نظامی این کشور، تحلیل‌گران خارجی ادعا می‌کنند که بودجه‌ی نظامی اعلام شده‌ی چین، نامعلوم‌تر از آن است که بتوان در مورد آن به هرگونه تعبیر و تفسیر معناداری پرداخت. دولت چین بدون اینکه هیچ‌گونه جزئیات اضافه‌ای در مورد انتقال تسلیحات از خارج، یارانه‌های دولت برای صنعت دفاعی، ساخت تأسیسات نظامی و برنامه‌های تحقیق و توسعه که امور نظامی را در برمی‌گیرند؛ بودجه‌ی دفاعی را به سه بخش گسترده‌ی کارکنان^۱، عملیات^۲ و تجهیزات^۳ تقسیم

1 . International Institute for Strategic Studies.

2 . Personnel.

کرد و این امر باعث شد، مؤسسات تحقیقاتی و امنیتی خارجی مخارج نظامی چین را نسبت به ارقام منتشر شده دو سه برابر یا حتی بیشتر تخمین بزنند (Dreyer, 2004:151). فقدان شفافیت در مورد سرعت، دامنه و جهت گیری پیشرفت نظامی چین بدون شک سوءظن‌هایی را در خارج از این کشور در رابطه با بودجه‌های پنهانی و پروژه‌های مخفی ایجاد می‌کند و در نتیجه موجب شک و تردید کشورهای دیگر در مورد منافع ملی چین در آینده می‌شود. بخشی از افزایش مخارج دفاعی چین برای سرمایه‌گذاری‌های پیوسته و بهبود توانایی‌های نظامی این کشور به منظور واکنش در مقابل روند انقلاب در امور نظامی (RMA) و ماهیت در حال تغییر جنگ است. توسعه اقتصادی سریع این کشور باعث شده تا بخش نظامی بتواند به تقلید از تکنولوژی‌های جدید، غیرنظامی و با کاربردهای دوگانه برای ساخت تسلیحات بپردازد. توسعه نظامی چین، همچنین از کانال‌هایی مرموز و پنهانی برای دسترسی که تکنولوژی‌های مدرن خارجی سود برده است (Gertz, 2006:69).

یکی از منابع حائز اهمیت جنگ افزارهای مدرن در چین کپی برداری از تسلیحات خارجی بوده است. در طول سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ چین با مجموع ۱۱/۶۸ میلیارد دلار واردات تسلیحات، بزرگترین واردکننده تسلیحات متعارف در جهان، باقی‌مانده‌ی مجموع وارداتی که خیلی بیشتر از ۱/۵۱۷ میلیارد دلار واردات تسلیحات تایوان (با مقام ۱۸ در جهان) یا ۹۷۵ میلیون دلار واردات تسلیحات ژاپن (با مقام ۲۳ در جهان) است (Shambaugh, 2006:230). با این حساب که ۹۵ درصد تسلیحات چین در دهه‌ی گذشته از واردات به دست آمده است؛ این نتیجه به دست می‌آید که ۴۱ درصد از تسلیحات، از روسیه به چین صادر شده است (U.S DOD, 2006).

امروزه بر خلاف وضعیت سال ۱۹۹۷ که فقط حدود نیمی لشکر پیاده نظام چین مجهز به تانک یا سلاح بودند؛ کلیه لشکرهای پیاده نظام فعلی دارای سلاح بوده، قدرت شلیک و سهولت حرکت بیشتری دارند. (Brown & et al, 2003:25). با این وجود بنا بر گزارش رسمی سال ۲۰۰۶ دولت چین دفاع در مورد «دفاع ملی» کاهش نیروهای زمینی به سود نیروهای دریایی و هوایی و توپخانه‌ی پشتیبان^۱ بوده که مجموعاً شاهد ۳/۸ درصد افزایش در تعداد کارکنان خود بوده‌اند. نیروی دریایی چین سعی کرده است توان دفاعی مؤثر خود را از سطح منطقه‌ای ساحلی به سطح "اولین سلسله‌ی جزایر (ژاپن، تایوان، فیلیپین) توسعه دهد و امیدوار است که در آینده به "دومین سلسله جزایر" (بانیسن، ماریانا و گوام)^۲ برسد. هدف احتمالی نیروی دریایی چین این است که دارای یک ناوگان آب‌های عمیق آبی^۳ باشد تا به صورت جهانی و نه تنها برای امنیت موجودی منابع (به خصوص منابع انرژی) خود بلکه به خاطر منافع ژئواستراتژیک خود به عنوان یک قدرت عمده‌ی در حال ظهور به نمایش قدرت بپردازد (Meconis and Wallace , 2000:141).

از سال ۲۰۰۳ دو ناو محافظ (اسکورت) جدید از نوع 054 جانیکای با ویژگی‌های مشابه ناوهای محافظ فرانسوی لافایت که به تایوان فروخته شده بودند به آب انداخته شده‌اند (Chin Lee, 2009:526)

چهار ناوشکن ساورمینی کلاس^۴ (956EM و 956 EM) خریداری شده و دوازده نوع متفاوت موشک ضدکشتی هم قدرت چشمگیری به نیروی دریایی چین بخشیده‌اند. برخی از این موشک‌ها پر قدرت از نظر سرعت مافوق صوت از نظر هدف‌گیری دارای برد زیاد و دارای قابلیت حمل کلاهک سنگین یا هسته‌ای هستند (Meconis and , 2000:148) Wallace).

1 . Second Artillery.

2 . Bonin, Mariana, Guam.

3 . Blue/ Deeping Waters.

4 . Sovremenny- Class Destroyer

چندین برنامه‌ی ساخت زیردریایی‌های مدرن شامل زیردریایی جدید کلاس یوان (Yuan) آغاز شده است. همه‌ی اینها نشانگر تمایل چین به بهبود نیروهای جنگی زمینی و زیر دریا برای کسب توانایی‌های منطقه‌ای و اهداف بلندمدت مرتبط با منافع جهانی خویش است. نیروهای دریایی چین هم با پیش‌بینی رویارویی احتمالی با آمریکا به خاطر مسأله‌ی تایوان، درگیر مباحث سیاسی راجع به لزوم و امکان برخورداری از ناوهای هواپیمابر برای حملات دریایی در آینده شده است. تا زمانی که ناوهای هواپیمابر چینی تمام و کمال بر سطح آب قرار گیرند این زیر دریایی‌ها هستند که به خاطر پنهان بودن در زیر آب و قدرت ویرانگرشان تهدیدی برای ناوهای هواپیمابر دشمن به حساب می‌آیند.

مادامی که چین تعداد کافی از زیر دریایی‌های مدرن، بی‌صدا و ساخته شده با تکنولوژی روز را در اختیار دارد، می‌تواند تهدیدات امنیتی جدی‌ای را برای واحدهای ارتش نیروی دریایی هوایی آمریکا به وجود آورد (Goldstein and Murray, 2004:161-2).

برای توسعه‌ی حوزه‌ی دفاعی چین، نیروی هوایی این کشور نسل سوم و چهارم جت‌های جنگنده‌ای همچون SU 27_S و SU-30MKK_S، FC-1 روسی، J-10_S ساخت داخل، SU-27 SK (J-11) مونتاژ داخل و انواع مختلفی از جت‌های جنگنده J-B را به ناوگان این کشور وارد کرده است (IISS, 2006:268).

مدرن‌سازی PLA تنها شامل نوسازی سخت‌افزاری نمی‌شود؛ بلکه در برگزیده‌ی دکتترین‌های نظامی نوین، ساختار نیروها، تعلیم و آموزش و به علاوه برنامه‌های معاوضه‌ی تسلیحاتی با دیگر کشورها است که در تاریخ ارتش آزادی‌بخش خلق بی‌نظیر است (Medeiros, 2005:145).

براساس اطلاعات آماری در سال ۲۰۰۶، ارتش آزادی‌بخش خلق چین، حدود ۲۰۰ نفر از پرسنل نظامی خودش را برای اصول و فنون نوین به کشورهای خارجی فرستاده

است. این در حالی است که چین حدود ۲۰۰۰ پرسنل نظامی از کشورهای خارجی جهت تعلیم و آموزش پایه‌ای PLA پذیرفته است (Cheng Wang, 2007:103).

از دیگر حوزه‌هایی که چین در ارتباط با مدرن‌سازی نظامی بر آنها متمرکز شده است عبارتند از تأکید بر سلاح‌های الکترونیکی و تکنولوژی اطلاعات مانند تولید سلاح‌هایی که ضربات الکترومغناطیس وارد می‌کنند و هواپیماهای بدون سرنشین، همچنین دریافت و پردازش سریع حجم زیادی از اطلاعات در سطوح مختلف اعم از تاکتیکی، عملیاتی و استراتژیک در سیستم مدیریت فضای مبارزه، دستیابی به تکنولوژی با دقت هدایت شده به منظور بهبود دقت، قدرت نابودکنندگی و مؤثر بودن تسلیحات برای حمله و ضدحمله و توانایی بسیار خیره‌کننده دور زدن سریع، قدرت تشخیص و مراقبت دشمن به منظور اجرای یک عملیات حمله‌ی غافلگیرانه و نابودکننده (Chin Lee, 2009:528).

برای انجام مأموریت‌ها، رهبران ارتش خلق به دنبال توسعه‌ی بیشتر، مدرن‌تر و متنوع‌تر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی چند منظوره می‌باشند. ساختار نیروهای مطلوب PLA متشکل از دو مؤلفه‌ی اصلی می‌باشد. نخست، نیروهای معمولی و دوم نیروهای استراتژیک هسته‌ای. تفاوت بین قابلیت‌های واقعی و مطلوب باید به عنوان شکاف‌های کنونی و نقاط ضعف در توانایی PLA برای انجام مأموریت‌های اصلی در نظر گرفته شوند. با در نظر گرفتن قابلیت‌های سلاح‌های متعارف، PLA در چند سال گذشته در حال گذار از نیروهای زمینی گسترده به نیروهای عمدتاً ماهرتر، پرجنب و جوش‌تر و کوچک‌تر برای دفاع تمام و کمال از قدرت قاره‌ای خود بوده است (Lewis, 2006:211).

با این حال چند ویژگی توسعه‌ی نظامی چین بیشتر از سایر موارد شایان توجه می‌باشد. اول، چین با در نظر داشتن جنگ نامتقارن بر چند حوزه‌ی اصلی متمرکز می‌شود که می‌تواند در آنها بدون نیاز به منابع فراوان به نتایج مقتضی و قابل مشاهده دست پیدا کند و این یک انتخاب موقتی مناسب در مقابل کشور با نیروی نظامی برتر است.

دوم، اینکه هنوز هم در برخی موقعیت‌ها تعداد/کمیت حائز اهمیت است. به عنوان مثال با افزایش قابل ملاحظه زیردریایی‌ها، ارتش چین امکان پیروزی در حمله یک زیردریایی بزرگ به واحدهای ارتشی یک ناو هواپیمابر را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. چنین چیزی را می‌توان با حمله‌ی یک گله‌گرگ سرکش مقایسه کرد که با حملات پی‌درپی یک گاو نر را از پا درمی‌آورد، اگرچه همان‌گونه که قابل پیش‌بینی است ممکن است تعداد زیادی قربانی شوند.

سوم، تکنولوژی و اقتصاد چین به دو ستون برای تداوم توسعه‌ی نظامی آن تبدیل می‌شوند. در واقع یک اقتصاد متری نشانگر دسترسی به منابع و استعدادها و تداوم توسعه‌ی نظامی از نظر تحقیق و توسعه (R&D) تولیدات و هزینه‌های دفاعی است.

چهارم، در حالی که هدف فوری و ضروری چین دستیابی به یک توانایی محلی و منطقه‌ای است ولی بسط و توسعه‌ی نیروی هوایی و دریایی آن از هدف مسلم وحدت تایوان فراتر می‌رود و به هدفی جهانی تبدیل می‌شود.

پنجم، صرف‌نظر از ارزیابی‌های صورت گرفته مبنی بر تعداد نسبتاً اندک زرادخانه‌های چین در مقایسه با دیگر کشورها و نیروهای متعارف نه چندان مؤثر آن باید گفت که سلاح‌های هسته‌ای با اهداف مبتنی بر بازدارندگی معتبر و مقابله به مثل هسته‌ای، چین را در موضع منحصر به فرد و قدرتمندانه‌ای قرار داده‌اند.

ششم، باید به خاطر سپرد که نسل جدید رهبران و فرماندهان چین تکنو-

ناسیونالیست هستند (foot, 2006:91).

آنان از نظر تکنولوژیکی داناتر و در مسایل نظامی عمل‌گرایانه‌تر از رهبران قبل از خود هستند و انگیزه‌های آنان به وضوح ملی‌گرایانه‌تر از قبل است، به علاوه در آنها تمایلی به بازگشت دوباره به جایگاه برحق چین در جهان وجود دارد. آنها همچنین تحقیق

و توسعه‌ی نظامی را همچون لوکوموتیوهایی برای بهبود روش‌ها و توانای‌های جنگی چین به کار می‌گیرند (Goldstein, 2005:245).

نتیجه‌گیری

انتظار می‌رود بسط و توسعه‌ی نوسازی نظامی چین به عنوان نتیجه‌ی طبیعی رشد اقتصادی آن ادامه یابد. با این وجود چین برای به چالش کشیدن هژمونی آمریکا و جای آنرا گرفتن حتی از طریق صلح‌آمیز و همین‌طور جلوگیری از تهدیدات ناشی از ظهور مجدد میلیتاریسم ژاپنی درکنار خطر قدرت نظامی در حال رشد هند باید حل کردن دامنه‌ی گسترده‌ای از مشکلات داخلی را تضمین کند. مشکلاتی مانند اوضاع بد آب و هوایی، توزیع نابرابر ثروت، نظام شکننده‌ی مالی و آسیب‌پذیر، فساد مالی فراوان و شک تردید در مورد اصلاحات سیاسی.

تصور اینکه رشد نظامی چین به تنهایی می‌تواند باعث تبدیل شدن چین به قدرتی برجسته و سرآمد شود، بسیار خوش‌بینانه است. ممکن است چین برای اینکه مورد تأیید جهان قرار بگیرد به زمان نیاز داشته باشد تا به توسعه و پرورش هویت جدیدی پردازد که به وسیله‌ی آن بتواند به عنوان بازیگر مسئول و برای بهبود بیشتر وزن قدرت نرم به علاوه قدرت سخت خود که شامل توانایی نظامی می‌شود، لیاقت خود را به اثبات برساند. و قضاوت نهایی در مورد اینکه آیا افزایش قدرت نظامی چین تهدیدکننده است یا نه نباید صرفاً از تک بعد توانای نظامی صورت گیرد. زیرا در ارزیابی توان نظامی چین بسته به اینکه چه برداشتی از توسعه‌ی نظامی اخیر چین، محاسبات استراتژیک آن در آینده و وضعیت دفاعی‌اش داشته باشیم به آسانی به خطا می‌رویم و به نتایجی می‌رسیم که در آن یا فقط نیمه‌ی خالی لیوان و یا فقط نیمه‌ی پر لیوان را می‌بینیم.

منابع:

۱. امیدوارنیا، محمد جواد. سیر تحول در اندیشه نظامی و سیاست تسلیحاتی چین، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
۲. امیدوارنیا، محمد جواد. امنیت در قرن بیست و یکم (دیدگاه چین)، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱.
۳. تنهایی، محمد. تأثیر فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بر روابط جمهوری خلق چین و ایالات متحده ۱۹۹۳، ۱۹۸۹، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
۴. قلی‌زاده، عبدالحمید. تحلیل روابط چین و آمریکا در چهارچوب تئوری سیکل قدرت ۲۰۰۸، ۱۹۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۹.
5. Armitage, Richard L and Nye, Joseph S (2007), **The U.S. - Japan Alliance: Getting Asia Right through 2020**. Center for Strategic and International Studies (CSIS).
6. Blasko, J Dennis (2006), **The Chinese Army Today: Tradition and Transformation for the 21st Century**, New York: Routledge.
7. Brown, H. et al (2003), **Chinese Military Power, Report of an independent Task Force** Sponsored by the Council on Foreign Relations for Geo-economics' Studies. Washington, DC: Council on Foreign Relation.
8. Cheng Wang, Yang (2007), Chinas Defense Policy and Military Modernization, the **Korean Journal of Defense Analysis**, Vol. XIX. No2. Summer.
9. Wie, Chin Lee (2008), "China as a Military Power and Implications for U.S and Taiwan", **Journal of Asian and African Study**. Los Angeles, London, New Dehli and Singapore. Vol. 43(5).
10. **China National Defense in 2002**, Beijing. State Council Information Office, December 2002.
11. **China National Defense in 2006**, Beijing. State Council Information Office, December 2006.

12. Crane, Kate et al.(2005), **Modernization China's Military: Opportunities and Constraint**. Santa Monica. RAND Corporation.
13. Dreyer, J.T. (2004) Chinas' Ability to Take a Military Option and Its Calculation", in S. Tang (ed) **Peace and Security Across Taiwan Strait**, PP144-67. New York: Palgrave Macmillan.
14. Foot, R. (2006) 'Chinese Strategies in a US-Hegemonic Global Order: Accommodating and Hedging', **International Affairs** 82(1): 77-94
15. Gertz, B. (2006), **Enemies: How American's Foes Steal Our Vital Secrets- and How We Let It Happen**. New York. Crown Forum.
16. -Fravel, M. Taylor (2008), China' s Search for Military Power, the **Washington Quarterly**. Summer.No31.Vol13.pp 125-141.
17. Rger ,Gliff et al (2007), Entering The Dragon Lair : Chinese Antiaccess Strategies and Implications for The United States. From <http://www.rand.org/pubse/monographs/MG524>.
18. Goldstein, A. (2005), **Rises to the Challenge: China's Grand Strategy and International Security**. Stanford, CA: Stanford University Press.
19. -Guihong, Zhang (2006), The Rise of China: Indian's Perceptions and Responses, **Asian Survey**, New Delhi/ Thousand Oaks/ London. No (13) 93-102.
20. -Hit man, Andrew .J (1997) **The Great Wall and Empty Fortress: China's Search for Security**. New York: w.w. Norton& Company.
21. Hu Jintao(2007), Speech at The Army- Wide Conference of Heroes and Models to Celebrate The 80th Anniversary of The PLA, **Liberation Army Daily**, August 2, 2007.
22. IISS (International Institute for Strategic Studies) (2006), **Military Balance**, London: Routledge.
23. Ivan, Eland (2003), " Is Chinese Military Modernization a Threat to the United Staté? **Policy Analysis**, No465, January 2003.
24. Lewis, J. W (2006), Imagined Enemies: **China Prepared for Uncertain War**. Stanford, Stanford University Press.- Medeiros, Evan(2005), Strategic Hedging and The Future of Asia- Pacific Stability, **Washington Quarterly**, No(6), Winter 2005.
25. Meconis, C. A. and Wallace, M.D. (2000), **East Asian Naval Weapons Acquisition in the 19990s: Causes, Consequences, and Responses**. Westport, CT: Praeger.

26. Mulvenon, James C (1997), **Chinese Military Commerce and U.S. National Security**, Santa Monica: RAND Corporation.
27. Mulevnon, James C and Yang, Andrew (2002) **The Peoples Liberation Army as Organization**. Volume (1) Santa Monica. RAND Corporation.
28. U.S. Department Of Defense(2003), **Annual Report to Congress on Military Power of the People's Republic of China, Report to Congress Pursuant to The FY2000 Defense Authorization Act**, Washington D.C.: Department of Defense, July 28.
29. U.S. Department Of Defense(2006), **Annual Report to Congress on Military Power of the People's Republic of China, A Report to Congress**, Washington D.C.: Department of Defense.
30. Ramesh, J (2005), **Making Sense of Chinadia: Reflection on India and China**. New Delhi: India Research Press.
31. Shambaugh, David (2003), **Modernizing China's Military: Progress, Problems, and Prospects**, Berkeley: University of California at Berkeley Press.
32. Shambaugh, D. (2006) 'China's Military Modernization: Making steady and surprising Progresses, in A.J. Tellis and. M. Willis (eds) **Strategic Asia 2005-06: Military Modernization in an Era of Uncertainty**, PP. 64-103. Seattle, WA: National Bureau of Asian Research.
33. Shlpak, David et al (2009), **Political Context and Military Aspects of China- Taiwan Dispute**. Santa Monica. RAND Corporation.
34. Shirk, Susan (2007), **China: Fragile Superpower**. Oxford, UK: Oxford University Press.
35. Singh, Ravinder Pal (1999), **Arms Procurement Decision Making: Stockholm International Peace Research Institute**, Oxford. United Kingdom, Oxford University Press.
36. Skons, E. et al (2005), Military Expenditure, In Stockholm International Peace Research Institute **SIPRS Yearbook**. New York: Oxford University Press.
37. Sutter, Robert (2003), Why Dose China Matter? "**Washington Quarterly** No (4) winter 2003.
38. Swaine, Michal D., Yang, Andrew N. D. & Medeiros, Evan S. (Eds.) (2007). **Assessing the Threat: The Chinese Military and Taiwan's Security**. Washington DC: Carnegie Endowment.
39. Xiangli, Sun (2008), the Impact of Revolution in Military Affairs on Chinas Defense Policy, Institute of Applied Physics Computational Mathematics. From: <http://www.lincei.it/rapporti/amaldi/papers/XV-WuRMAImpact.pdf>.

40. Yuan, Jing- Dong (2001), India's Rise after Pokhran- II: China Analyses and Assessment", **Asian Security**, No. 41, November/ December.
41. Wezeman, S.T. and Bormley M.(2005), International Arms Transfer, in Stockholm International Peace Research Institute **SIPRI Yearbook**. New York: Oxford University Press.